



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۲۶

م. عارف عباسی

ملک بی قانون خانه بی سقف و بی ستون را ماند



اگر برای تنظیم هر بخش زندگی یک مملکت قوانین وضع نشود، و یا به دلائل مختلف اراده و شهامت تطبیق قوانین نافذه نباشد، و یا اگر مقنین سوپیه، دانش و فهم اهمیت قانون را نداشته خود جزء قانون شکنان و متخلفین قوانین باشند، آیا در چنین احوال امید کم ترین تغییر بنیادی برای اصلاح و بهبود وضع جامعه وجود خواهد داشت؟

آیا در وضع کنونی خود سری ها، لجام گسیختگی ها و عدم پابندی به قانون و ناتوانی مراجع با اغماض های عمدی در تطبیق قانون بدنام ساختن دموکراسی نیست؟

آیا نبود قانون و یا عدم توانمندی در تطبیق جدی آن مبین انارشی و یک نظام بی ثبات استبدادی نیست؟ اگر تطبیق قانون دو رخ داشت و بر بیچاره، بی دفاع و ناتوان و بی صدای متهم واقعی و یا ناحق تطبیق گردیده و حجره های زندان از این تعداد مزدحم باشد و غور بر دوسیه های شان ماه ها و سال ها را در بر گیرد و برخلاف جنایت کار، فاسد و فاسق با برگه و سند به کمال مصونیت و فارغ بال زیسته و در برابر باز خواست و پرسان توسط نفوذ سیاسی و ثروت سرشار خود و حامیان شان معافیت داشته باشند، پس به این روزگار چه نامی می توان بخشید.

دموکراسی در واقعیت دکتاتوری قانون است.

به آرزوی طلوع آفتاب نور بخش قانون و قانون مندی از پس کوه های استبداد، ظلم و اسارت جانیان زور مند و دشمنان مردم افغانستان تا این وطن در پرتو درخشش آن به رفاه، آسایش، اطمینان و مصون و مأمون فارغ از هرنوع بیم و هراس زیست نمایند.